

## تعقيب سياست زمين سوخته در كردستان/عارف نادري

دوشنبه 04 مرداد 1389



جمهوری اسلامی ایران علاوه بر نقص و پامال نمودن نسل اول و دوم حقوق بشر در كردستان به طور مکرر نسل سوم حقوق انسانی (حقوق جمعی : حق توسعه، حق صلح، حق محیط زیست سالم) مردمان این اقلیم را نیز نقض و مورد چپاول و تاراج قرار داده است. سیاستی همیشگی که علاوه بر استثمار، استعمار و اجرای سیاست ژنوساید سرخ و سپید در قبال ملت کرد، در مقاطع مختلف تاریخی و به بهانه‌های واهی تخریب و تاراج ثروت‌های طبیعی و منابع زیرزمینی كردستان را هدف گرفته است. منابع غنی و سرشاری که نه تنها تا به امروز رفاه و آسایش ساکنان كردستان را در پی نداشته است بلکه چشم طمع اشغالگران را بیشتر متوجه این سرزمین نموده و آنان را جهت استمرار و اصرار بر اهداف شومشان حریص‌تر نموده است. حاکمان جمهوری اسلامی در طول سه دهه‌ی گذشته با بهره‌برداری غیرکارشناسی و بکارگیری ماشین‌آلات و دستگاهها و تجهیزات غیراصولی ضربات مهلک و زیانباری را بر منابع طبیعی كردستان اعم از مراتع و معادن و زیست‌بوم آن وارد ساخته‌اند. به طوری که در جریان بهره‌برداری از آنها بخش کثیری از مواد استخراجی به هدر رفته است و آن بخشی هم که راهی بازار عرضه و تقاضا گشته، سود حاصل از آن در انحصار نزدیکان مقامات حکومتی و نهادهای امنیتی و اقتصادی آنها بوده است. آنان در طول سالیان گذشته بدون توجه به اثرات سوء اقدامات غیرکارشناسی و حفاری‌ها و استخراج‌های غیرعلمی و غیراصولی خویش بر زیست‌بوم و جغرافیای طبیعی و اقتصادی كردستان هر روز گوشه‌ای از سرزمین کرد را تخریب و بدون مدنظر قرارداد معیار و مبنایی صحیح، تنها به قصد سود بیشتر بی‌توجه به پیامدهای دلخراش آن بوده‌اند. هر روز شاهد آنیم که در مناطق مختلف كردستان شرکت‌های سرمایه‌گذار و اقتصادی وابسته به افراد حکومتی با استفاده از اعتبارات اختصاصی سالانه به مناطق کردنشین بخشی از معادن كردستان را صاحب شده و بعد از تخریب معدن، جنگل، کوه یا زیست‌بوم‌های بکر دیگر، منطقه را بدون هیچگونه پاسخگویی و ارائه کارنامه قابل قبولی ترک می‌گویند. ذخایر طلا، آهن، پوکه، سنگ و... استخراج و به تاراج می‌رود. دو دریاچه مهم ارومیه و زریبار بر اثر سوء مدیریت و عدم توجه و رسیدگی لازم در معرض انواع تهدیدات زیست محیطی و خشکی و نابودی کامل می‌باشند... یکی دیگر از جلوه‌های طبیعی مناطق کردنشین که هم‌اکنون آماج سیاست امحا قرار گرفته است کوهستان‌های پوشیده از جنگل آن می‌باشد. که به اعتقاد بسیاری از اکولوژیست‌ها، جنگل‌های فرار گرفته در رشته کوه‌های زاگروس و دامنه‌های آن یکی از اکوسیستم‌های بکر و بی‌نظیر منطقه می‌باشد که گستره‌ی آن از اطراف دریاچه ارومیه آغاز و تا کوه‌های لرستان امتداد می‌یابد که 5 الی 6 میلیون هکتار پوشش جنگلی است. این بیشه‌زارها و کوهستان‌های پوشیده از درخت و درختچه علاوه بر تأثیرات مثبت آب و هوایی، نقش با اهمیتی هم در جذب توریست و ایجاد درآمد برای منطقه و ساکنین آن دارد. همچنین به‌غیر از شیره "ون" در تولید آدامس طبیعی، در صنایع کاغذ و چوب و کبریت‌سازی و... هم کارایی دارد. از خصوصیات مهم دیگر این پوشش‌های جنگلی پتانسیل رشد و نشوونمای سریع و گسترده آن می‌باشد اما به دلایل متعدد از جمله آتش‌سوزی‌های مرموز در طول سالیان اخیر متأسفانه درصد تخریب و نابودی جنگل‌ها به مراتب وسیعتر از توسعه‌ی آن بوده است. بطوری که همه ساله مساحت وسیعی از جنگل‌ها در شعله‌های مهیب آتش فرو می‌رود. به عنوان مثال طبق گزارش منابع طبیعی شهرستان مریوان در سال 1385 بر اثر 47 مورد آتش‌سوزی در جنگل‌های مریوان و سروآباد، 123 هکتار از جنگل‌های طبیعی این منطقه در آتش سوخته است و در سال 86 طبق بیانیه‌ی مشترک سازمان‌های جامعه مدنی مریوان بیش از 2500 هکتار از جنگل‌ها در آن شهرستان در آتش سوخته و این روند در سال‌های بعدی همچنان سیر صعودی داشته است. به طوری که در طول کمتر از 4 ماه گذشته بیش از 110 مورد و در نیمه دوم تیرماه امسال بیش از 37 مورد آتش‌سوزی روی داده است. در یک نمونه آن در منطقه دالاهو 20 هکتار از جنگل‌های شهرستان دالاهو خاکستر شده است. از سوی دیگر بنا بر نظر کارشناسان محیط زیست تأثیرات درازمدت آتش بر اکوسیستم بسیار مخرب و ماندگار است و باعث فرسایش خاک، جاری گشتن سیلاب‌های ویرانگر، افزایش گرد و غبار، ممانعت در رویش گیاهان و زیست جانداران و آمیختگی انواع نباتات و حرکت مواد معدنی و ... می‌گردد.

نیروهای نظامی جمهوری اسلامی و عوامل مرتبط با آنان طی چند سال گذشته و چند ماه اخیر در مقیاسی وسیع جنگلهای مناطق مریوان، سروآباد، ملکشاهی ایلام، دالاهو، پاره، نوسود، اورامان، سنندج، گیلان غرب، بوکان، تکاب و ... را همزمان با لشکرکشی به مرزهای حکومت اقلیم کردستان و حملات توپخانه‌ای به مناطق روستایی آن به آتش کشیده‌اند تا بتوانند با تخلیه مناطق هر دو سوی حاشیه مرز از سکنه و فراهم ساختن بستر مناسب برای احداث دیوار حائل امنیتی مورد نظر خویش، همچنین سوزاندن جنگلها و مراتع کردستان یکبار برای همیشه به مقاصد شوم خود دست یابند. به همین خاطر سیاست زمین سوخته را اجرا می‌نمایند یا به تعبیر فعالین محیط زیست کرد پروسهی "قتل‌عام جنگل‌های کردستان" را وارد فاز اجرایی نموده‌اند. در حالی که مقامات دولتی در اظهارات رسمی‌اشان عدم تخصیص اعتبار لازم و نبود تجهیزات مورد نیاز را بهانه مهار نکردن آتش‌سوزی‌ها قرار می‌دهند. ولی برخی فرماندهان نیروهای نظامی مستقر در منطقه در پاسخ اعتراضات مردمی گفته‌اند که "امنیت از جنگلها برای ما بسیار مهمتر است". البته اینچنین اقداماتی برای کردها پدیده نادر و غریبی نیست، پیشتر نیز اینکار از سوی رژیم بعث عراق و حکومت کمالیستی ترکیه صورت گرفته است. تمامی شواهد و اظهارات شاهدان عینی حاکی از آنست که بخش اعظم آتش‌سوزی‌های اخیر به شیوه‌ای از پیش طراحی شده از طرف نهادهای نظامی-امنیتی رژیم و با اطلاع و دستور نمایندگان عالی‌رتبه‌ی دولت در مناطق کردنشین در حال انجام است. این حقیقت دهشتناک مسئولیت سنگینی بر دوش ملت کرد و سایر جنبش‌های زیست محیطی "صلح سبز" و مدافعان حقوق بشر ایرانی و جهانی می‌گذارد که طی اقدامی هماهنگ و اعتراضی گسترده به طرق مختلف و مقتضی انزجار و نارضایتی خویش را از اینگونه اعمال ددمنشانه ابراز نمایند و جهت پیشگیری از تخریب و نابودی بیشتر جنگلها و مراتع کردستان گامی عملی بردارند. زیرا زیست صلح‌آمیز در طبیعتی سالم و پایدار از حقوق بنیادین و بدیهی بشر به شمار می‌رود.

در پایان لازم است از "انجمن سبز چیا"، سازمان غیردولتی حامی محیط زیست در مریوان که طی سالیان اخیر در پاسداری از سرمایه‌های ملی و مهار آتش‌سوزی‌ها سنگ‌تمام گذاشته است تقدیر به عمل آورد و تلاشهای آنان را سرمشق قرار داد. زیرا آنان با تقبل رنج‌ها و تهدیدات و مرارت‌های بسیار ثابت نمودند که در نبود حاکمیتی مردمی و دولتی پاسخگو نیز می‌توان با اتکا به نیروهای مردمی و امکانات حداقلی در دسترس، کارهای شایان و اقدامات درخوری انجام داد. شاید اگر اطلاع‌رسانی‌ها، از خودگذشتگی‌ها، عملکردها و افشاگری‌های "انجمن سبز چیا" طی این سالها نبود وضعیت جنگل‌های کردستان به مراتب بحرانی‌تر و تراژیکتر از امروز می‌بود.